

اخراجی‌ها وارد می‌شود



نشدن نیاز مخاطبان از سوی کتاب‌های منتشر شده اشاره کرد.

راه کارهایی هم چون تشویق مؤسسه‌های خصوصی و علمی به خرید کتاب، کاهش بهای خرید کتاب برای مردم، کمک‌های سازمان‌دهی شده به ناشران موفق، ساخت برنامه‌های آموزشی و تشویق‌کننده توسط صدا و سیما، تشویق کودکان و نوجوانان به مطالعه کتاب، برگزاری نمایشگاه‌های مفید در سراسر کشور و... به افزایش میزان مطالعه در کشور کمک می‌کند.

به امید آن که کتاب، به عنوان گنجینه بزرگ ثروت بشری، روز به روز، جایگاه بهتری در زندگی ما ایرانیان داشته باشد.

کتاب و کتابخوانی؛ امیدها و نگرانی‌ها

مهدی مرادی



بر اساس آمار رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخوانی در کشور، حدود چهار دقیقه در شبانه‌روز است که به هیچ وجه راضی‌کننده نیست به‌ویژه آن که بدانی استاندارد جهانی سرانه مطالعه بین ۸ تا ۱۰ دقیقه است.

این مسئله، وقتی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بدانیم این آمار سبب شده، ایران با وجود برخورداری از سابقه و پیشینه کهن فرهنگی و تمدنی، از حیث میزان مطالعه کتاب، در کنار کشورهای عقب افتاده جهان سوم قرار بگیرد.

از سویی دیگر، بنابر گفته مسئولان رسمی کشور و متولیان امر، هم‌اکنون میانگین شمارگان کتاب در کشور، دو تا سه هزار نسخه است و تنها در خوشبینانه‌ترین حالت، از این مرز می‌گذرد. این در حالی است که شمارگان کتاب نه در کشورهای اروپایی و به اصطلاح جهان غرب، بلکه در کشورهایی چون لبنان، مصر و ترکیه، بسیار فراتر از این ارقام است.

خوشبختانه طی سالیان اخیر، برخی از نهادهای فرهنگی و مذهبی، به‌ویژه شهرداری‌های کشور با خرید کتاب، تجهیز کتابخانه‌ها و توزیع کتاب‌ها میان دانش‌آموزان مدارس و در مساجد شهرها، کمک زیادی به رونق اقتصاد صنعت نشر و چاپ کشور کردند که البته این موضوع، به تنهایی، نمی‌تواند انبوه مشکلات حوزه کتاب و کتابخوانی را حل کند. بلکه حل این معضل، نیازمند همت عالی از سوی همه دولت‌مردان، متخصصان و دست‌اندرکاران حوزه نشر و چاپ است.

از جمله دلایل آمار پایین کتابخوانی در کشورمان، می‌توان به عواملی چون غلبه فرهنگ شفاهی بر فرهنگ کتبی مردم ایران، گرانی کتاب و برآورده

نفرت عمومی جهانی را نسبت به مردم ایران - چه ایرانی و چه اسلامیت آنان - بر انگیزد... قول یکی از اهالی مطبوعات صحه‌ای است بر این کلام: چرا هر وقت تلاش و موفقیت ایران بیشتر می‌شود، رمان‌نویس‌ها و فیلم‌سازها یاد ملت ایران و تاریخ پرفراز و نشیب آنان می‌افتند؟^۱

نگته سوم

دنیای غرب به خوبی راه مبارزه با ما را یافته است و ابزاری کاربردی‌تر و اثرگذارتر از فرهنگ مهاجم خود نمی‌شناسد. اما در این باره ما چه تدبیری اندیشیده‌ایم؟ در برابر چنین فیلم‌هایی چه دفاعی داریم؟ باید بپذیریم که با شعار و طومار نمی‌توانیم به مردم جهان بفهمانیم فیلم ۳۰۰ واقعیت تاریخ ایران نیست و اصولاً اثبات این که در این فیلم، تحریفی صورت گرفته یا نه، مشکلی را رفع نمی‌کند!

مشکل جامعه فرهنگی ما این است که در این بیست و چند ساله انقلاب، هنوز به خوبی به ارزش «رسانه» و قالب‌ها و تفکیک‌های مختلف و اثرگذار آن واقف نشده است. ما هنوز به ارزش و اثرگذاری سینما پی نبرده‌ایم هر چند تأثیرات مخرب آن را - چه از نوع داخلی و چه خارجی‌اش - هنوز بر کالبد فرهنگ‌مان حس می‌کنیم (یادمان نرفته فیلم مارمولک چه جریان فرهنگی ایجاد کرد یا امثال آن) ما در جواب آن فیلم‌ها همیشه به تربیون‌های سنتی خود (مصاحبه، طومار، بیانیه، و...) پستنه کردیم! هر چند برخی از این قالب‌ها هنوز اثرگذار است اما باید پذیرفت که نه کافی است نه جهانی. دردناک‌تر از این واقعیت، این که ما مثل همیشه اسیر حاشیه‌هاییم. به راستی چرا به جای معرفی فرهنگ اسلامی و ایرانی، به دنبال دفاع از فرهنگ

ایران قبل از اسلام و اصولاً آیا ساخت فیلم «جمشید و خورشید» و امثال آن می‌تواند پاسخی بر فیلم ۳۰۰ باشد؟ و این که تاریخ ایران پیش از اسلام تحریف شده یا خیر، چه کمکی به فرهنگ ما می‌کند؟

یادمان نرود که ما اکنون به ایرانی می‌بالیم که در دامن اسلام رشد و تعالی یافته و توانسته دنیای غرب را مبهوت و مقهور تعالیم انسانی و الهی خود کند. حلقه مفقوده در این میان - که برای دنیای غرب کاملاً شناخته شده و اکنون هدف واقع شده - همان اسلام ناب محمدی و آیین ناب ایرانی ماست یعنی محبت و کرامت به انسان‌ها، رفتاری که همه اقوام و ملل در هر آیینی آن را می‌پذیرند و همواره طعم شیرین آن را در رفتار مردم ما چشیده‌اند. صحنه گذاشتن بر این رفتار - در هر قالب هنری - می‌تواند پاسخی بر هر پیام غیراخلاقی دنیای غرب باشد.

پانوش

۱. فرهنگ دهخدا، ذیل واژه «خشایارشا»
۲. هرودت، تاریخ‌نگار غربی این سیاه را شامل چند میلیون نفر سرباز و هزاران فروند کشتی می‌داند! در این باره رجوع کنید به تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، ص ۱۶۲ و نیز تاریخ ایران باستان، ج ۱، ص ۷۷۷ به بعد
۳. این توصیف دکتر زرین‌کوب را مقایسه کنید با توصیفی که فیلم از قهرمان ملی یونان دارد!
۴. هفته‌نامه همشهری جوان، شماره ۱۱۲، ص ۲۳.

اخراجی‌ها را شاید بتوان یکی از فیلم‌های نادری دانست که در قالب طنز، از اندیشه محتوا، و در مسند قضاوت، از انصاف دور نشده است.

اخراجی‌ها با نوعی واقع‌گرایی معقول، افرادی را که در جبهه‌های نبرد حضور داشتند، به‌سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. مردان بزرگی که جنگ را پایان‌نامه دانشگاه معنوی خود می‌دانستند مانند روحانی محل، سیدمرتضی، بسیجی که روی تارنجم می‌رود و سرهنگ ارتشی که خود را در بین بسیجی‌ها پنهان کرده است.

۲. اشخاصی که به‌نام دین از جنگ و جبهه سوءاستفاده می‌کردند مانند حاجی مسئول ثبت‌نام، برادر نرگس که مخالف ازدواج خواهرش با مجید بود.

۳. افراد خلافتکاری که جبهه محل انسان‌سازی آنان شد مانند مجیدسوزوکی، بایرام، بیژن و... البته هر فیلمی خالی از اشکال نیست اما در فیلم اخراجی‌ها این اشکالات به کم‌ترین حد خود رسیده و محتوای فیلم به گونه‌ای که در عامه مردم تا قشر فرهیخته اثرگذار باشد بالا است. به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد فیلم اخراجی‌ها با شکستن برخی انحصارها و پرهیز از سنت‌های غلطی که در سینما و تلویزیون رواج یافته، سیل عظیمی از مخاطبان را مجذوب خود کرده است.

ده‌نمکی کارگردان اخراجی‌ها نیز درباره استقبال گسترده مردم از این فیلم گفته است: در اخراجی‌ها سعی کردم از تمام آدم‌های جامعه شخصیتی با تفکر و بینش خاص وجود داشته باشد و به همین دلیل است که مخاطبان با هر نوع تفکر و سلیقه می‌توانند با فیلم ارتباط برقرار کنند.